

لوشته جان گلن فضا نورد امریکائی

چرا جان گلن (۲) بخداوند معتقد است؟

دمن نمیتوانم چشم‌هایم را بدون تحسین نظم پارزجهان باز نمایم :
کمترین نظر برای مشاهده دستی که همه چیز را میسازد کافیست



در موقعیکه عضودسته فضائی انتخاب شدم ، یکی از اولین چیزهائی که در اختیار من گذاشتند ، جزوه‌ای بود شامل گروه زیادی اطلاعات درباره فضا . دو فصل این جزوه که راجع به بیگرانی جهان بود مرا خیلی تحت تأثیر قرار داد . برای فهم آن باید معنی یکسال نوری را دانست : نور در هر ثانیه ۳۰۰٫۰۰۰ کیلومتر میپیماید .

بمبارت دیگر با این سرعت میتواند در هر ثانیه هفت مرتبه زمین را دور بزند . اینک فرض کنیم که یک ذره نور یکسال بخطر مستقیم ببرد کند فاصله‌ای که خواهد پیمود یکسال نوری نامیده میشود که برابر است با قریب ۹/۵ میلیون مایلون کیلومتر .

حال به بینیم که جزوه مذکور در باب ابعاد جهانمان چه میگوید : ما اگر بخاطر بسپاریم که قطر سحابی (۳) ما ۱۰۰٫۰۰۰ سال نوری است و خود شید ثابت بی مقدار و خردی با فاصله ۳۰٫۰۰۰ سال نوری از هر کز این سحابی است که مقدار خود را همان با گردش دورانی سحابی در ۲۰۰ میلیون سال میپیماید به اشکال میتوان ابعاد عظیم جهان ما و رای منظمه شمسی را تصور در آورده لیکن مطلب محدود به فضای بین نوابت سحابی ما نیست بلکه دورتر از آن میلیونها سحابی دیگر که فضا را با سرعتها بهت آوری از هم فرار میکنند گسترش دارند .

حدود جهان دیده شدنی در تلسکوپ در کلیه جهات اطراف ما اقلا به دو میلیارد سال نوری میرسد . این ارقام ابعاد گویج کننده جهان ما را نشان میدهد .

اینک برگردیم به آنچه که از ساختمان اتم (کوچکترین ذره عنصری شناخته شده) میدانیم و شباهت زیادی ، بین آنها و منظومه شمسی و جهان از نظر اینکه آنها از الکترونها ی گردان دور یک هسته با نقشه منظم تشکیل شده اند ، موجود است . به کجا میخواهم برسم ؟ میخواهم نشان دهم که نظم در تمام جهان از ساختمان بینهایت ریز اتم تا بزرگترین مجموعه

نوایت قابل تصور؛ سحابیهای بافاصله هزاران سال نوری از ما که در مدارهای معین طبق نقشه کلی در گردشند وجود دارد - آیا ممکن است که تمام اینها نتیجه تصادف باشد ؟
آیا در اثر تصادف است که یک توده ماده، موج در فضا دفن و پخش شود در روی این مدار به گردش درآید ؟

من نمیتوانم اینرا باور کنم. مادریا بزرگ نقشه معینی هستیم. این جهان با عنایت و مین نشان میدهد که خدایم هست. قدرتی وجود دارد که تمام این مجموعه را روی مدارش نگاه میدارد.

اینک سرعتهای پروژمهر کوری (۱) را با بعضی از سرعتهای مذکور در بالا مقایسه نمایم ما بخود مییابیم که با این پروژه سرعتهای قابل توجهی ایجاد کرده ایم و با سرعت ۲۹۰۰۰ کیلومتر در ساعت یا ۸ کیلومتر در ثانیه در روی مدار قرار میگیریم. و این سرعت با مقایسه با سرعتهای روی زمین بنظر ما فوق العاده میآید همچنین ارتفاع ۱۶۰ کیلو متری که به آن میرسیم. لیکن نتیجه کوششهای مادریه قابل آنچه در فضا میگذرد ناچیز است.

نمی توان حدادند را با استحالاحات علمی ستجد. با هیچیک از حواسمان نمیتوانیم نیروهای معنوی را درک کنیم. دسترسی به این نیروها غیر ممکن است. لیکن آنها نیروهای دیگر واقعی و غیر محسوس وجود ندارند. یک هواپیما میتواند دارای نیرو مند تر بیرون توره و بهترین شکل فنی باشد با وجود این بدون یک نیروی نامحسوس از آن کار مهمی ساخته نیست. برای انجام مأموریتش باید هدایت شود. ما آنرا با یک قطب نما هدایت میکنیم لیکن نیروئی که این قطب نما را هدایت مینماید محسوس نیست. میشود آنرا دید. به آن دست زد آنرا چشید یا حس کرد.

معدنک میدانیم که موجود است زیرا آنها را میبینیم. ما یک دستگاهی را در اطاق خلبان مشاهده مینمائیم و بی میبینیم که امتدادی و نشان میدهد و مطمئن داریم که نیروئی که این قطب نما را حرکت میدهد به عمل خود ادامه خواهد داد.
ما همگی که پرواز میکنیم هر از آن مرتبه زندگی خود را با این دستگاه سپرده ایم زیر اطمینان هستیم علامانیکه روی دستگاه میخوانیم ما را به آنجا میکشند باید برویم و راهنمایی خواهند کرد. از همین قرار است نیروهای معنوی مسیحیت (۲) خود را به آن نیروها و گاندار کنیم (گرچه حواس مادری آنها را نمیتواند نمود) و اثر آنها را در زندگی خود و سایرین حواسهم دید. بدین ترتیب چطور میتوانیم در واقعت آن نیروها تردید نمائیم ؟

۱- Mercury نام پروژه نمره مصنوعی و سفینه فضایی امریکاست.

۲- چون نویسنده مسیحی است لذا نیروهای معنوی مسیحیت را مورد نظر قرار داده است

ولی بر هر فرد منصف و صاحب نظری ثابت است که نیروهای معنوی دین مقدس اسلام برتر از دین و بالاترین قوای موجود جهان آفرینش بوده که از سر چشمه خالصترین توحید منتهی و عالم بشریت را منور و مجذوب نموده و مینماید و خواهد نمود